

قوام الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ هـ ق) و
سید شمس الدین محمد بن شریف جرجانی (۸۳۸ هـ ق)
در مجموعه بلاغی عبدالرحیم بن معروف رازی
(نوشته در ۸۳۹ هـ ق)

﴿ محمد علی عیوضی ﴾

مقدمه

هسته مرکزی حوزه علمی - کلامی شیراز در سده نهم رامی توان در شش طبقه گنجانید، در طبقه اول شریف جرجانی (۸۱۶ هـ ق) قرار دارد که میراث حوزه‌های آذربایجان و ماوراءالنهر را به شیراز منتقل ساخته است و در حقیقت پایه گذار این حوزه می باشد. طبقه دوم را شاگردان وی تشکیل می دهند، کسانی همچون شمس الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (۸۳۸ هـ ق) و قوام الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ هـ ق) و محی الدین کوشکناری (پدر قطب محیی دارنده المکاتیب) و خواجه حسنشاه بقال در این طبقه قرار می گیرند. طبقه سوم را شاگردان او می سازند که شاخص ترین چهره‌های آنان سید صدرالدین محمد حسینی دشتکی (۹۰۳ هـ ق) و جلال الدین محمد دوانی (۹۰۸ هـ ق) هستند. طبقه چهارم شاگردان سید سند و محقق دوانی هستند کسانی همچون سید غیاث الدین منصور حسینی حسینی دشتکی (۹۴۸ هـ ق) و محقق خفری (۹۴۲ هـ ق) و نجم الدین محمود نیریزی (زنده در ۹۲۱) و کمال الدین حسین الهی اردبیلی (۹۵۰ هـ ق) در این طبقه قرار می گیرند. طبقه پنجم شاگردان طبقه چهارم هستند و چهره‌هایی همچون سید صدرالدین محمد ثانی حسینی حسینی دشتکی (زنده در ۹۶۱ هـ ق) و جمال الدین

محمود شیرازی (زنده در ۹۶۵ ه.ق) و فخرالدین سَمَکِی (۹۸۴ ه.ق) و مصلح‌الدین محمد لازری (۹۷۹ ه.ق) و میرفتح‌الله شیرازی (۹۹۷ ه.ق) در آن می‌درخشیدند. طبقه ششم شاگردان طبقه پنجم هستند کسانی همچون میرزا حبیب‌الله باغنوی شیرازی شهیر به مَلا میرزا جان (۹۹۴ ه.ق)، مَلا عبدالله یزدی بهابادی (۹۸۱ ه.ق)، محمود بن محمد دهدار (۱۰۱۶ ه.ق) در این طبقه قرار دارند. بسیاری از مشاهیر این حوزه به تدریج به بلاد دیگر هجرت نمودند و جریان علوم اسلامی را در هرات و هند و عثمانی و ماوراءالنهر و اصفهان رواج دادند که تفصیل آن فرصتی وسیع می‌طلبد.

از میان این شش طبقه، طبقه دوم بسیار ناشناخته مانده و اطلاعات ما راجع به آن بسیار اندک است.^۱ خوشبختانه مجموعه‌ای به شماره ۱۴۰۳۴ در کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که حاوی اطلاعاتی ارزشمند پیرامون این طبقه می‌باشد.^۲ این مجموعه از یک سو برگی از حیات مبهم «أعلم تلامذه»^۳ شریف جرجانی (م ۸۱۶ ه.ق) قوام‌الدین کربالی (زنده در ۸۳۹ ه.ق) را دربردارد و از دیگر سو آفاق تازه‌ای از حیات شمس‌الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (م ۸۳۸ ه.ق) را نمایان می‌کند. همچنین روزنه‌ای بر شخصیت ناشناخته عبدالترحیم بن معروف رازی (زنده در ۸۶۰ ه.ق) دارند. نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم

۱. از آثار این طبقه تنها رساله‌ای در آداب‌البحث به فارسی که به خواجه حسن‌شاه بقال منسوب است دوبار و با مشخصات ذیل به طبع رسیده است: رساله آداب‌البحث، به کوشش محمد الحسینی المشکوة، سالنامه پارس، دوره نوزدهم، ۱۳۳۲، صص ۲۵-۳۱؛ آداب‌البحث و المناظرة، حسین [!] شاه بقال، سید محمد رضا رضایپور، مجموعه رسائل فارسی، دفتر هشتم، ۱۳۸۷، صص ۱۷۳-۱۸۳. البته درة المنطق و غرة المنطق به جهت آن که تعریب صغری و کبری هستند مکرر به طبع رسیده‌اند.

۲. این مجموعه نفیس در جلد سی و هشتم فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به اختصار معرفی گردیده است. نگر فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، علی صدرایی، خوبی بانظارت عبدالحسین حائری، چاپ اول: قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷: ج ۳۸، صص ۵۲-۵۵.

۳. تعبیری است که غیاث‌الدین منصور دشتکی (م ۹۴۸ ه.ق) در آخرین فصل کشف الحقائق المحمدیة برای وی به کار می‌برد. نگر مجموعه مصنفات غیاث‌الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی، به کوشش عبدالله نورانی، چاپ اول: تهران، دانشگاه تهران و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵.

السلام^۱. که از شاگردان طبقه دوم است. می‌گشاید و اطلاعاتی تازه از وی به دست می‌دهد.^۲ از دیگر فوایدی که در این مجموعه یافت می‌شود تاریخ دقیق وفات شریف جرجانی (۸۱۶ ه.ق) به خط سید صدرالدین محمد ثانی حسنی حسینی دشتکی (زنده در ۹۶۱ ه.ق) می‌باشد که نشان می‌دهد این نسخه زمانی در تملک وی بوده است.



مجموعهٔ بلاغی عبدالرحیم بن معروف رازی (زنده در ۸۶۰ ه.ق)

مجموعه ۱۴۰۳۴ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی تماماً به خط عبدالرحیم رازی می‌باشد. وی با سلیقه‌ای در خور تحسین برگ‌های کتاب را با سه ستون عمودی (دو ستون هفت سانتی در دو طرف و یک ستون دو سانتی در وسط) تقسیم کرده است. در ستون میانی متن قسم ثالث مفتاح العلوم را کتابت کرده است (برگهای ۳ تا ۲۹۴ ر). قسم ثالث مفتاح العلوم در دو بخش نگارش یافته است، بخش اول آن در علم معانی (تا برگ ۱۹۴ ر) و بخش دوم در علم بیان است (تا برگ ۲۹۴ ر). در ستون سمت راست شرح مفتاح العلوم تفتازانی (برگهای ۳ تا ۲۹۴ ر) و در ستون سمت چپ المصباح فی شرح المفتاح (برگهای ۳ تا ۲۹۴ ر) را نگاشته است. این دو شرح نیز به مانند متن در دو بخش کتابت شده‌اند.

وی با شش صفحه بین بخش معانی و بخش بیان فاصله ایجاد کرده است. از این شش سه صفحه سفید مانده و یک صفحه (برگ ۱۹۴ پ) مشتمل بر یادداشتی است که سعی شده تا محو شود، ولی هنوز می‌توان با زحمت بخشهایی از آن را خواند، آغاز این یادداشت چنین است: «اگر گویند بناء مذهب اهل البیت بر چیست، جواب گوئیم: که بر ایمان و اسلام... و روزه و... و حج و جهاد. انجام آن چنین است: اگر گویند... عالم [!] چیست، جواب گوئیم: «...» در اواسط این یادداشت اسامی دوازده‌گانه حجّت‌های خدا. صلوات الله علیهم. ذکر گردیده

۱. این کتاب با مشخصات ذیل به چاپ رسیده است: نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم السلام، عبدالرحیم بن معروف رستم‌داری [!]. به کوشش و با مقدمه رسول جعفریان، چاپ اول: قم، نشر مورخ، ۱۳۹۵.
۲. در مقالاتی دیگر بر پایه‌ی این مجموعه و مدارکی دیگر آفاق تازه‌تری از حیات عبدالرحیم بن معروف را بازگو می‌کنیم. ان شاء الله تعالی.

است. صفحه ۱۹۶ پ نیز مشتمل بر اجازه قوام‌الدین کربالی به عبدالرحیم بن معروف است که مابین بخش معانی و بیان مفتاح نگاشته شده است. در صفحه بعد (۱۹۷ ر) ترنج و سرتنج مُدَّهَب و الوانی را می‌بینیم که داخل آن بازنوشته شده است: «إِنَّ الْكِتَابَ وَشَرْحِيهِ لِكَاتِبِهِ عَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ مَعْرُوفٍ وَصَاحِبِهِ».

در ادامه (از صفحه ۱۹۷) بخش دو قسم ثالث مفتاح همراه آن دو شرح به همان شکل کتابت گردیده است. در انتهای المصباح (۲۹۴ ر) یادداشتی از سید صدرالدین محمد ثانی حسنی حسینی دشتکی (زنده در ۹۶۱ ه. ق) آمده که در آن مطالبی راجع به مؤلف المصباح ذکر شده است.

ادامه این مجموعه در بردارنده یک رساله و یک کتاب از عبدالرحیم رازی می‌باشد. کتاب وی نظم‌البیان نام دارد و در آن کوشیده است تا قسم ثالث مفتاح العلوم را به نظم درآورد «۲۹۵ پ ۳۵۳ ر». و رساله او که پس از نظم‌البیان تألیف گردیده در صدد پاسخ به اشکالاتی است که «بعض القاصرین» به تعریف وی از علم معانی در آن کتاب بیان کرده‌اند. این رساله متضمن فوایدی در منطق تعریفات نیز می‌باشد. مؤلف ابتدا این رساله را «۲۹۴ پ» کتابت کرده و پس از نگارش یک صفحه تصمیم گرفته تغییراتی در محتوای آن ایجاد کند و با علائم سرخ رنگ مسجعات آن را از یکدیگر جدا نماید و عناوین را به آن رنگ بنگارد، لذا یک صفحه «۲۹۵ ر» را خالی گذاشته و از صفحه بعد از آن دوباره از ابتدا به نگارش این رساله پرداخته است «۲۹۵ پ تا ۲۹۷ پ». در پایان این رساله عبدالرحیم رازی یادداشتی نگاشته و به ارتباط خود با شمس‌الدین محمد حسینی جرجانی (۸۳۸ ه. ق) اشاره کرده است «۲۷۹ پ». ^۱ نظم‌البیان که از برگ بعد از این یادداشت شروع می‌شود در اغلب صفحات با حواشی بسیاری از مؤلف همراه

۱. در فهرست کتابخانه مجلس شمس‌الدین جرجانی به اشتباه شریف جرجانی قلمداد شده و این اشتباه از آنجا به کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی) و سپس شرح احوال، آثار و اندیشه علامه میرسید شریف جرجانی راه پیدا کرده است. نگر فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی ج ۳۸، صص ۵۲ - ۵۵؛ کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی)، مهدی شکیبانیا و رضا پورجوادی. معارف، دوره نوزدهم، شماره ۳، آذر. اسفند ۱۳۸۱؛ شرح احوال، آثار و اندیشه علامه میرسید شریف جرجانی. علی بایزیدی. چاپ اول: گرگان، پیک ریحان، ۱۳۹۴: ص ۶۰.

گردیده است. پس از نظم‌البیان در دو صفحه بعضی آیات منسوب به امیرالمؤمنین -صلوات الله علیه- ذکر گردیده است. در آخرین صفحه نیز ایاتی با عنوان «معجون فلاسفه من منظومات مولانا حکیم» و «لکاتبه عفا الله عنه بفضله» آمده است.

در برگ‌های آغازنسخه این یادداشت آمده است: «مفتاح العلوم و شرحیه من المحققین المدققین السید الشریف و سعدالدین التفتازانی» «هذه النسخة النفیسة و الدرع اللطیفة کان للإمام الهمام أستاذ البشر العقل الحادی عشر سید المحققین و سند المدققین السید صدرالدین الشیرازی -أنار الله برهانه و رفع فی الخلد أعلامه- فی القرن التاسع من الهجرة و هانحن فی القرن الرابع عشر من هجرة خیر البشر، الأقلّ الفانی علی اصغر المازندرانی ۱۳۳۵» این تملیک نشان می‌دهد که مازندرانی صدرالدین محمد ثانی را با صدرالدین محمد اول خلط نموده و گمان کرده است که تملیک برگ ۲۹۴ از سید سند است. در آخرنسخه نیز این یادداشت دیده می‌شود «بمّنه و جوده -تعالی و تقدّس- من عواری الدهر لدی الأقلّ الفانی الحاج... قلی اصغر الهزار الجریبی المازندرانی کتبه بیده الخاسرة القاسیة فی ذی الحجّة الحرام سنه ۱۳۳۴» و بعد آن مهری با نقش «علی اصغر» آمده است.



قوام‌الدین کربالی / قوام‌الدین کلباری (زنده در ۸۳۹ ه.ق)

و نمونه خط وی در مجموعه بلاغی رازی

هیچ یک از منابع تاریخی بخش جداگانه‌ای را به ترجمه قوام‌الدین کربالی اختصاص نداده‌اند،^۱ بلکه نام وی همواره در ترجمه شاگردان وی یاد می‌شود. در اسم وی اختلافی دیده

۱. البته از این میان می‌بایست مرحوم آیت الله سید حسن صدر (۱۳۵۴ ه.ق) را استثناء نمود. وی در تکملة أمل الأمل بخشی جداگانه به وی اختصاص داده و اطلاعاتی را که در ریاض العلماء و مجالس المؤمنین یافته ذکر نموده لذا مشتمل بر نکته جدیدی نمی‌باشد. همچنین مشتمل بر دو خطا می‌باشد اولاً آنکه راجع به شرح المحرر شیفکی شیرازی (م ۹۰۷ ه.ق) آن را به قطع المحرر ابن فهد حلی (م ۸۴۱ ه.ق) شمرده و این قطع را به ریاض العلماء نسبت داده، حال آنکه در ریاض باتشکیک آمده است: «ولعله لابن فهد أول للشافعی». ثانیاً گمان برده است که شریف جرجانی و علامه شیرازی (۸۱۶ ه.ق) که قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق) ذکر نموده دو کس می‌باشند.

نی شود، و منابعی که به ذکر نام او پرداخته اند همگی او را محمد دانسته اند. اما لقب وی باری همادالدین و باری قوام الدین ذکر گردیده است. همچنین نسبت وی گاهی کربالی و گاهی کلباری (/گلباری!) ضبط شده است.^۱ کاربست ریخت کلبار به جای کربال به جهت قرابت آوایی آنهاست که در عربی کربالی و در فارسی کلباری خوانده می شود. «کر نام رودخانه ای است و چون از دو جانب این رودخانه دهات و مزارع افتاده است هر جانبی را بال گویند [و] در آخر سردسیرات فارس در جانب مشرقی شیراز است»^۲. در این مورد بال صورت دیگری است از بار به معنی ساحل و کنار، کناره، ناحیه، منطقه، جای، حوالی، مملکت و مطلق زمین مانند ارونند بار به معنی ساحل ارونند یا دجله و چنین است ترکیبات دریا بار، رود بار، زند بار، بنابراین کربال به معنی سرزمینهای ساحل رود کر می باشد.

قدیمترین منبعی که نام وی در آن دیده می شود موسوعه گرانقدر الضوء اللامع لأهل القرن التاسع می باشد. حافظ سخاوی (م ۹۰۲ ه. ق) در دو جا از وی نام برده است. وی اولین بار در ذیل ترجمه حمیدالدین عبدالمحسن شروانی (م ۸۸۹ ه. ق) که از شاگردان کربالی است و سخاوی خود او را در مکه دیده بوده از کربالی نام برده است. بنا به گفته سخاوی شروانی نزد کربالی منطق، اصول فقه، اصول دین، تفسیر و حدیث و بلاغت آموخته است. او متون درسی آنها را نیز نامبرده و نوشته که کربالی در تفسیر الکشاف و در حدیث جامع بخاری و الخلاصة فی اصول الحدیث و در کلام شرح المواقف و در بلاغت شرح المفتاح تفتازانی و المصباح را تدریس می کرده است.^۳ دیگر باری که حافظ سخاوی از کربالی یاد نموده در ذیل ترجمه قطب الدین محمد اصفهانی

۱. در کشف الظنون همادالدین الكلناری آمده است که قطعاً سهویاً غلط مطبعی است، نگر: کشف الظنون ج ۲، ص ۱۱۱۶. این اشتباه از کشف به جامع الشروح و الحواشی نیز راه یافته است، نگر: جامع الشروح و الحواشی ج ۲، ص ۱۳۴۹. مرحوم استاد عبدالله نورانی در ویراست کشف الحقائق المحمدية الكربالی را الکرمانی خوانده است که با مراجعه به نسخه اساس (شماره ۵۴۰۹ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) تصحیح معلوم گردید این خوانش قطعاً به صواب نیست.

۲. فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۱۶ ه. ق)، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ه. ش.

۳. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی (م ۹۰۲ ه. ق)، بیروت، دار الجلیل: ج ۵، ص ۷۸.

شیرازی سناء (زنده در ۸۹۷ ه.ق) می‌باشد که او نیز از شاگردان کربالی در کلام است. سخاوی در اینجاست که کربالی را «أحد تلامذة الجرجانی» دانسته است. لازم به ذکر است که سناء و فرزندش عقیف‌الدین محمد از شاگردان حافظ سخاوی نیز می‌باشند و در سالهای ۸۸۶ ه.ق و ۸۹۷ ه.ق در مکه از او استفاده برده‌اند و پدر از او اجازه روایت گرفته است.^۱ بنا بر این اطلاعاتی که سخاوی از کربالی به دست می‌دهد بایک واسطه به توسط دو شاگرد کربالی نقل گردیده و می‌تواند یکی از موثق‌ترین منابع دربارهٔ کربالی باشد. سخاوی تنها نشان داده که کربالی از شاگردان شریف جرجانی بوده است و متونی که وی تدریس می‌کرده و نیز دو تن از شاگردان او را نام برده است. لازم به ذکر است که حافظ سخاوی کربال را می‌شناخته و در ذیل ترجمه قطب‌الدین احمد کربالی آن را یکی از نواحی شیراز دانسته است.^۲

منبع موثق دیگری که از کربالی یاد نموده است کشف الحقائق المحمدیة اثر غیاث‌الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی (م ۹۴۸ ه.ق) می‌باشد. ظاهراً غیاث‌الحکماء پس از نگارش اولیه این کتاب هنگامی که خواست آن را برای فرزندش میرصدرالدین محمد ثانی (زنده در ۹۶۱ ه.ق) تدریس نماید تغییرات اندکی در آن ایجاد نمود، لذا ما امروزه دو تحریر از این کتاب در دست داریم.^۳ در هر دو تحریر نام کربالی ذکر گردیده اما با تفاوت‌هایی. وی در تحریر اول می‌نویسد: «وَأخذ (سید سند) العلوم الحکمیة من علماء عقلاء منهم من المولى الموالى، قوام‌الدین

۱. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: ج ۸، ص ۲۱۸ و ج ۹، ص ۱۶۴.

۲. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: ج ۲، ص ۹۸.

۳. البته اثبات این مسئله نیازمند تتبع و تدقیق بیشتری است. در ویراست مرحوم استاد عبدالله نورانی دو نسخه از تحریر اول و یک نسخه که اساس تصحیح است از تحریر دوم استفاده گردیده است. ایشان به مسئله تحریرهای متفاوت توجه نفرموده‌اند و اختلافات تحریر اول را داخل [[آورده‌اند. نسخه شماره ۵۴۰۹ کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی مطابق با تحریر دوم و نسخه شماره ۱۹۴۵ همانجا مطابق با تحریر اول است. ظاهراً این تجدید نظرها هنگامی صورت گرفته است که غیاث‌الحکماء این کتاب را برای میرصدرالدین محمد ثانی تدریس می‌نموده است. در یادداشت‌هایی که صدرالدین محمد ثانی در پایان نسخه‌ای که آن را در محضر مؤلف فراگرفته است این عبارت آمده که می‌تواند حدس ما را - راجع به تحریرهای دوگانه - تقویت نماید «تم تألیف هذا الشرح الکریم علی ما هو علیه الآن...» - این عبارت سه بار در یادداشت‌های پایان نسخه تکرار گردیده است - نیز نمی‌توان از بخش‌هایی که صدرالدین ثانی تاریخ تألیف و تدریس را یکی دانسته برای رد احتمال ماسود جست، زیرا می‌تواند تمامی آن‌ها راجع به تحریر ثانی باشد.

الکربالی و هو الفرید الوحید فی زمانه، وهو أعلم تلامذة السید الشریف الجرجانی المنتهی إلى قطب الفضلاء و من سبقه من العلماء». اما در تحریر دوم این عبارت را حذف نموده و جای آن را عوض نموده و چنین نوشته است: «وله (سید سند) مباحثات و مناظرات مع المولی الوالی قوام الدین محمد الکربالی، ولقد صرف عنانه عما جرى و مضى علیه من آراء قرّ استاده السید الشریف الجرجانی الذی أبرز كثيراً من القرمطة فی الفلسفة». از آنجا که در هر دو این تحریرها در ادامه نوشته است «وله طریقه خاصّة آخری...» معلوم می‌گردد که هر چند در تحریر دوم از واژه تلمذ استفاده نکرده است، لکن مراد وی از مباحثه همان تلمذ است، لذا در مقابل آن طریقه، طریقه دیگر را نیز معرفی نموده است.

در جنگ میرابوالفخر بن فضل الله حسینی شیرازی (متولد ۹۸۸ ه.ق) در ذیل عنوان «میر صدرالدین محمد ولد استاد البشر میر غیاث الدین منصور احوال پدر بلند اختر خود اینچنین به تحریر در آورده» یادداشتی از سید صدرالدین ثانی. که می‌دانیم کشف الحقائق المحمدیة را نزد پدر آموخته. آورده است که می‌تواند شارح نوشته غیاث الحکما باشد؛ ما در اینجا عین عبارات وی را نقل می‌کنیم: «علامه شیرازی امیر صدرالدین محمد. رضی الله عنه. در اوائل طلب تلمذ مولانا قوام الدین کلباری نموده که خلیفه معتبر و افضل تلامذه امیر سید شریف علامه بوده؛ و به اندک وقتی علامه قوامی گوید که توجهت خود تدبیری کن و فکر استادی دیگر نما که من از درس گفتن شما عاجزم و تاب مباحثه شما ندارم و شما از من برتر و بهتر شده‌اید. میر خود مدّتی بود که این حال معلوم دانست و در این فکر بود، اما ملاحظه خاطر استاد می‌کرد؛ و چون او در نصرت استادش میر سید شریف علامه قدری بی اختیار بود و در اوّل حال که میر بر سید اعتراضات می‌کرده بدو گوش نمی‌کرده و اعراض می‌نموده لیکن در آخر اعتراف نموده که من از روی تعصب چنان می‌کردم و شما محقید و اعتراضات وارد و ورقی چند

۱. این جنگ از نفیس‌ترین منابع موجود جهت اطلاع از زوایای ناشناخته و اسناد بازمانده قرون نهم و دهم است و نگارنده مدّتی است که پیرامون آن به تدقیق می‌پردازد. نمونه را در ادامه همینجا از السید الفاضل مسلم الفارسی - که در کشف الحقائق المحمدیة، ص ۹۸۳ ذکر او اینگونه آمده است. با عنوان «حضرت علامه أعلم امیر جلال الدین مسلم کاه کش» نام برده است، که می‌تواند راهگشای تتبعات آتی باشد.

بیرون آورده که در این مدّت آنها را ثبت می کرده بوده».^۱

قاضی نورالله مرعشی شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق) در مجالس المؤمنین کربالی را به مانند برخی دیگر از «تلامذه سید المحققین میر سید شریف علامه شیرازی» از اساتید سید ضیاء الدین نورالله مرعشی شوشتری در شیراز دانسته است.^۲ همچنین در ترجمه «سید الحكماء والمدققین امیر صدرالدین محمد شیرازی» حاصل ترجمه عبارات غیث الحكماء در كشف الحقائق المحمدية را نقل نموده است.^۳

منبع کهن دیگری که از کربالی / کلباری یاد کرده است حبیب السیر می باشد. خواندمیر (م ۹۴۲ ه.ق) در ذیل عنوان «ذکر طایفه ای از سادات و علما و اشراف که بعضی از ایشان با سلاطین آق قویلو و زمره ای در ایام دولت ابد پیوند شاهی اکتساب فضل و کمال نموده اند» به ذکر ترجمه دانشمندان اواخر حکومت آق قویلو (۷۸۰ - ۹۰۸ ه.ق) و اوایل حکومت صفوی (۹۰۷ - ۱۱۳۵ ه.ق) پرداخته است. وی در صدر این فصل به ترتیب از سید صدرالدین محمد حسینی دشتکی شیرازی - سید سند - (م ۹۰۳ ه.ق) و جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ ه.ق) و شرف الدین شیفکی شیرازی (م ۹۰۷ ه.ق) نام برده و هر سه را شاگرد کربالی قلمداد نموده است. البته وی همه جا از نسبت گلباری / کلباری استفاده نموده است. وی در ترجمه سید صدرالدین محمد حسینی دشتکی شیرازی - سید سند - (م ۹۰۳ ه.ق) و شرف الدین شیفکی شیرازی (م ۹۰۷ ه.ق) کلباری / گلباری را با لقب قوام الدین نام برده اما در ترجمه جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ ه.ق) از

۱. جنگ میر ابوالفخر بن فضل الله حسینی شیرازی، (مخطوط) ص ۳۷۱.

۲. مجالس المؤمنین. قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق). مقدمه، تصحیح و تعلیقات: ابراهیم عرب پور، منصور ستایش، محمد رضا محمدیان، محمد حسن خزاعی، محمد علی علی دوست. چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲: ج ۴، ص ۴۵۵. عین عبارت مجالس المؤمنین را علاء الملک مرعشی در فردوس آورده است. نگر: فردوس، علاء الملک مرعشی، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، چاپ اول: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۲ ه.ش، ص ۱۸.

راجع به کربالی در منابع متأخر بنگرید به روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات: ج ۷، ص ۱۹۴: ریاض الجنة ج ۳ ص ۴۱۹؛ که مطالب قبلی را تکرار نموده اند.

۳. مجالس المؤمنین: ج ۴، ص ۵۵۹.

وی بالقب همام الدین یاد نموده است.^۱

حسن بیگ روملو (زنده در ۸۹۹ ه. ق) نیز در احسن التواریخ دو جا از کربالی یاد می کند. ذیل ترجمه دوانی و ذیل ترجمه شیفکی. و مطالب حبیب السیر را تکرار می کند.^۲

در اینجا ممکن است تصور شود که همام الدین و قوام الدین دو شخصیت متفاوت هستند، همانگونه که دارنده فارسنامه ناصری گمان نموده و در ذیل «بلوک کربال» از دو شخصیت نام برده است. عجیب آنکه وی قوام الدین را استاد «حضرت افادت و افاضت منزلت، سید المدققین میر صدر الدین محمد دشتکی شیرازی ... و علامه دوانی» هر دو می داند و همام الدین را شخص دیگری که وی نیز از قضا «معاصر سلاطین قره قوینلو و آق قوینلو ترکمان» بوده است. حال آنکه خواندمیر (م ۹۴۲ ه. ق) که مأخذ فارسنامه است. قوام الدین را استاد سید سند و همام الدین را استاد محقق دوانی دانسته بود. میرزا عبدالله اصفهانی (م ۱۱۳۰ ه. ق) نیز در ریاض العلماء احتمال داده که قوام الدین پدر همام الدین باشد.^۳ اما این احتمال بعید می نماید زیرا مراتب تحصیلی محقق دوانی و سید سند این چنین فاصله ای ندارد که یکی شاگرد پدر و دیگری شاگرد پسر باشد. به هر حال به نظر می رسد این همام الدین و قوام الدین یک نفر باشند که همان قوام الدین کربالی است و برای خواندمیر (م ۹۴۲ ه. ق) در نام بردن از همام الدین سهوی روی داده باشد، گو اینکه عبارت وی به جهت ذکر شرحی نیکو بر طوابع در عداد آثار همام الدین مؤید

۱. عین عبارت وی در ذیل ترجمه سید صدر الدین محمد حسینی دشتکی شیرازی - سید سند - (م ۹۰۳ ه. ق) چنین است: «امیر صدر الدین محمد در ایام شباب نزد جناب افادت شعاری مولانا قوام الدین گلباری تحصیل علوم نمود» و در ذیل ترجمه جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ ه. ق) چنین: «و ایضا مولانا جلال الدین در درس مولانا همام الدین گلباری که بر طوابع شرحی مفید دارد مطالعه بعضی از متداولات کرده» و در ذیل ترجمه شرف الدین شیفکی شیرازی (م ۹۰۷ ه. ق) این چنین: «در درس مولانا محی الدین [کوشکاری] و مولانا قوام الدین گلباری تحصیل نموده».

۲. احسن التواریخ، حسن بیگ روملو، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوائی، چاپ اول: تهران، انتشارات بابک، ۱۳۵۷ ه. ش: ص ۸۷ و ص ۹۸.

۳. وی در ذیل ترجمه شرف الدین شیفکی می نویسد: «أقول: المولى قوام الدين المشار اليه هو الذى قرأ عليه الامير صدر الدين محمد الشيرازى فى علم الكلام وغيره، ولعله والد المولى همام الدين الذى قرأ العلامة الدوانى عليه. فلاحظ.» رياض العلماء و حياض الفضلاء، عبدالله أفندی الإصهانی، تحقيق السيد أحمد الحسينى، الطبعة الأولى: قم، مطبعة الخيام، ۱۳۰۱ ه. ق: ج ۴، ص ۱۰۹.

تمایز آنها باشد؛ زیرا منابع خواندمیر (م ۹۴۲ ه. ق) لاجرم شفاهی می باشد و با وسائلی که در مقابل وسائط حافظ سخاوی نمی توان چندان به ایشان اعتماد کرد و آنها را ضابط دانست، اما در منابع موثق و معتبری مانند الضوء الالامع و كشف الحقائق المحمدية با یک واسطه موثق که خود از شاگردان کربالی می باشند لقب و نسبت وی به دقت ضبط گردیده است.^۱

این منابع قوام‌الدین محمد کربالی را در حالی به ما معرفی می کنند که از تاریخ تولد و وفات او اطلاعی در دست نیست. حتی تاریخ تقریبی حیات او را روشن نمی کنند. از نام پدر و خاندان وی اطلاعی به دست نمی هند و تنها شریف جرجانی (م ۸۱۶ ه. ق) را به عنوان استاد برای وی نام می برند. این منابع از شاگردان او پنج تن را به ما می شناسانند: سید صدرالدین محمد حسنی حسینی دشتکی (م ۹۰۳ ه. ق)، جلال‌الدین محمد دوانی (م ۹۰۸ ه. ق)، شرف‌الدین شیخی شیرازی (م ۹۰۷ ه. ق)، حمید‌الدین عبدالمحسن شروانی (م ۸۸۹ ه. ق)، قطب‌الدین محمد اصفهانی شیرازی سناء (زنده در ۸۹۷ ه. ق). از تألیفات وی نیز تنها به شرح طوابع الأنوار من مطالع الأنظار اشاره می نمایند. البته حافظ سخاوی اطلاعات مفیدی از متونی که وی تدریس می نموده به دست می دهد و بر این اساس معلوم می گردد که وی در بلاغت، منطق، اصول دین (کلام) و اصول فقه، حدیث و تفسیر کرسی تدریس داشته و اتمات کتب این علوم همچون الکشاف، المصباح، شرح المفتاح تفتازانی، شرح المواقف، جامع بخاری و... را تدریس می نموده است.^۲

در مجموعه عبدالرحیم رازی (زنده در ۸۳۹ ه. ق) اطلاعات تازه‌ای راجع به کربالی می یابیم. این مجموعه در بردارنده یک صفحه از دستخط کربالی است که در نوع خود منحصر به فرد می باشد. نام وی به صورت کاملتری در انتهای دستخط آمده است و می توان آن را به صورت

۱. خواندمیر در ضبط لقب شمس‌الدین جرجانی (م ۸۳۸ ه. ق) نیز خطا نموده و لقب وی را نورالدین دانسته است. نگر حبیب السیر: ج ۴، ص ۱۴. مرحوم علی دوانی نیز یگانگی همام‌الدین و قوام‌الدین را محتمل دانسته است، نگر: شرح زندگانی جلال‌الدین دوانی. علی دوانی. قم: چاپخانه حکمت: ص ۱۰۵.

۲. در طرائق الحقائق اطلاعاتی راجع به کربالی آمده که مأخوذ از حبیب السیر و مجالس المومنین می باشد. نگر طرائق الحقائق. محمد معصوم شیرازی. به کوشش محمد جعفر محبوب. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی: ج ۳،

قوام بن آدم بن علی کربالی خواند.^۱ تاریخ کتابت این اجازه اوائل ذی القعدة سال ۸۳۹ ه. ق در شیراز^۲ می باشد و نشان می دهند که کربالی در آن سال هنوز در قید حیات بوده است. وی علاوه بر درود به خاندان پیامبر بر اصحاب وی که آنها را «أهل الحلّ والعقد والاعتباس» دانسته است نیز درود می فرستند، البته توجه به تعابیر و تقدیم تفصیلی آل بر اصحاب گرایش وی به خاندان پیامبر را نمایان می سازد. محتوای این دستخط اجازه ای است که کربالی برای عبدالرحیم رازی (زنده در ۸۳۹ ه. ق) نگاشته است و در آن نشان داده که رازی شش کتاب المصباح و شرح التجرید و شرح مطالع الأنوار و الکشاف و حاشیه الکشاف تفتازانی (۷۹۳ ه. ق) و کشف الکشاف بهبانی (۷۴۵ ه. ق) را نزد کربالی درس گرفته است، و پس از این قسم ثالث مفتاح العلوم را با استادی به نظم در آورده است. بنا بر این بر تعداد شاگردان کربالی نفر ششمی اضافه می گردد. همچنین از این اجازه استفاده می شود که کربالی سه کتاب اول را نزد شریف جرجانی آموخته بوده است. وی راجع به این تدریس می نویسد: «علی قدر ما استفدت بمزجاة بضاعتی و قلة عدتی و صناعتی عن حضرة مؤلفها». این تعبیر موجب می شود که ما احتمال بدهیم منظور او از شرح مطالع و شرح تجرید حواشی شریفیه بر این دو کتاب باشد، و می دانیم که حواشی شریفیه علی حده تدریس می شده اند. نشر پخته این اجازه و پنج بیت شعری که کربالی در مدح نظم البیان عبدالرحیم رازی سروده است^۳ نشانگر رتبه وی در نظم و شعر عربی می باشد. متن این اجازه در ادامه ذکر می شود و تصویر آن پیوست می گردد.

شمس الدین محمد بن شریف جرجانی (۸۳۸ ه. ق) در مجموعه بلاغی رازی

شمس الدین محمد بن شریف حسینی جرجانی (۸۳۸ ه. ق) فرزند و شاگرد شریف جرجانی



۱. این خوانشی است که با نظر خواهی از بعض دانشوران انجام گرفت، تصویر نسخه در انتهای این مقالت پیوست گردیده است که می تواند مورد مراجعه قرار گیرد.
۲. نگارنده با توجه به سبک نگارش کربالی این کلمه را شیراز خوانده است.
۳. این ابیات به شهادت عبدالرحیم رازی در حاشیه از کربالی می باشد.

(۸۱۶ ه.ق) می‌باشد. همانطور که قبلاً نشان داده‌ام،^۱ وی در حوالی سال ۸۰۰ ه.ق در سمرقند زاده شده است و در ۸۳۸ ه.ق در شیراز درگذشته و در جوار مزار پدر به خاک سپرده شده است. وی در تدوین و نگارش متون مدرسی و شروح و حواشی توضیحی پیرامون آن‌ها اقدامات مفیدی نموده که می‌تواند در آموزش علوم قدیمه مورد استفاده قرار گیرد. اطلاعات عامی که راجع به وی یافت می‌شود را قبلاً در همانجا ارائه کرده‌ام و اطلاعات تازه یاب را در آتی‌ه ارائه خواهم نمود.

من در آنجا همانند شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۳۸۹ ه.ق) و سید محسن‌الأمین (۱۳۷۱ ه.ق) و مدرس خیابانی تبریزی (۱۳۷۳ ه.ق)^۲ به اشتباه حسین بن محمد بن علی القاریء البهستانی را شاگرد شمس‌الدین جرجانی قلمداد کردم. منشاء این اشتباه بدخوانی عبارت ریاض العلماء می‌باشد. میرزا عبدالله اصفهانی (۱۱۳۰ ه.ق) در ترجمه بهستی نوشته است «هو الشیخ حسین بن محمد بن علی القاریء. فاضل عالم متکلم امامی متقدم علی الشیخ خضر الحبلرودی أو معاصر له. تلمیذ ولد السید الشریف المعاصر للسلطان شاه إسماعیل الصفوی، فإنه نقل عنه بعض الفوائد علی ما وجدناه فی شرح نهج المسترشدين للعلامة تألیف الحبلرودی المذكور». مراد او از «تلمیذ ولد السید...» و تمام توضیحاتی که بعد آن بیان می‌کند حبله‌رودی (زنده در ۸۵۲ ه.ق) می‌باشد نه بهستی.^۳ شرح نهج المسترشدين حبله‌رودی، التحقیق المبین نام دارد و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی و کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی^۴ و کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار^۵ یافت می‌شود. مواردی که حبله‌رودی در التحقیق

۱. شرح خطبة الوافية في شرح الكافية، محمد بن علی بن محمد حسینی جرجانی، به کوشش محمد علی عبوضی، میراث شهاب، سال ۱۳۹۵، شماره ۸۳، صص ۴۹-۶۴.

۲. الذریعة إلى تصانیف الشیعة: ج ۳، ص ۳۶۶ و ج ۷، ص ۶؛ أعیان الشیعة: ج ۶، ص ۱۵۹. سید حسن‌الأمین پافراتر گذاشته و حتی مواد تدریس بهستی نزد جرجانی را ذکر کرده است، مستدرکات أعیان الشیعة ج ۳، ص ۶۶.

۳. در معجم طبقات المتکلمین به این که نباید بهستی را شاگرد حبله‌رودی بدانیم اشاره شده است، اما اشتباه دیگر که نهج المسترشدين را حاوی منقولاتی از بهستی دانسته است تکرار گردیده است. معجم طبقات المتکلمین: ج ۳، ص ۲۵۶.

۴. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی: ج ۱۶، ص ۱۱۴؛

۵. فهرست کتابخانه سپهسالار. جلد دوم. محمد تقی دانش‌پژوه و علینقی منزوی. تصحیح و تجدید نظربه وسیله

المبین از شمس‌الدین جرجانی یاد نموده بر اساس نسخه شماره ۶۱۱۱ کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی به شرح ذیل می‌باشد. در خطبه کتاب می‌نویسد: «إتی لمتا فارغت عالی مجلس حضرة الأستاذیة بشیراز-أدام الله ظلالة ولاأحرمننا..» (ب۱)، سپس در (ب۴) از الرّشاد فی شرح الارشاد یاد می‌کند. در (ب۴۲) به مناسبت بحث از تصدیق دیدگاه وی را نقل می‌نماید. همچنین در (ب۱۱۱) از او یاد نموده است. لازم به ذکر است که وی در (ب۶۷) از حواشی شریف جرجانی بر تسدید القواعد فوائدی نقل کرده است. همچنین در (ب۱۳۲) از حسن بن محمد بن علی بن مهدی حلّی با عنوان «بعض اخواننا المؤمنین» یاد می‌کند.

من در فهرست آثار شمس‌الدین جرجانی شش اثر وی را شمرده بودم و الحاشیة علی طوابع الأنوار من مطالع الأنظار را ذکر نکرده بودم. حال آنکه قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ هـ.ق) از این اثر نامبرده^۱ و در فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک نسخه‌ای از آن با نام شرح طوابع الأنوار گزارش شده است.^۲ این نسخه با استناد به صفحه عنوان به میر محمد بن میر سید شریف جرجانی نسبت داده شده است، لکن برای تصدیق صحّت این انتساب می‌بایست نسخه را از نزدیک مشاهده کرد، زیرا آغاز و انجام آن با آغاز و انجام مطالع الأنظار فی شرح طوابع الأنوار هماهنگی دارد.

در بعض مواضع محمد بن علی بن محمد حسینی جرجانی قاری دارنده تجوید القرآن به فارسی (سده نهم) با شمس‌الدین جرجانی یکی انگاشته شده و کتاب تجوید القرآن به او نسبت داده می‌شود. این یکی انگاری و انتساب قطعاً درست نیست. از این جرجانی قاری مجموعه رسائلی در کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمیٰ مرعشی نجفی موجود است که برگ‌هایی از تاریخ حیات او را روشن می‌کند، و در فرصتی دیگر به آن خواهم پرداخت.

علینقی منزوی. چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۰: ص ۳۸۲.

۱. مجالس المؤمنین: ج ۴، ص ۵۴۲.

۲. فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. جلد اول. زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش‌پژوه با همکاری

محمد باقر حجّتی و احمد منزوی. تهران، ۱۳۵۲: ص ۴۱۴.

در مجموعه عبدالرحیم رازی اطلاعات تازه‌ای از شمس‌الدین جرجانی بدست می‌آید. همانطور که قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹ ه.ق) نوشته است یکی از آثار جرجانی شرح الفوائد الغیاتیة است که خوشبختانه نسخه‌ای از آن در کتابخانه مسجد اعظم قم موجود است.^۱ الفوائد الغیاتیة یکی از دو تلخیصی است که از قسم ثالث مفتاح العلوم صورت گرفته و به عنوان متن مدرسی رواج داشته است. تلخیص دیگر از خطیب قزوینی (۷۳۹ ه.ق) است که البته از اقبال بیشتری برخوردار بوده است. این کتاب راقاضی عضدالدین ایجی (۷۵۶ ه.ق) به نام خواجه غیاث‌الدین محمد بن خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی نگاشته است. به واسطه یادداشتی که عبدالرحیم رازی در این مجموعه نگاشته است معلوم می‌شود که شمس‌الدین جرجانی قصد داشته است این شرح را به یکی از ملوک بهمنی دکن پیشکش نماید، و به همین جهت کلمات مسجعی را که می‌خواستند در مدح پادشاه در خطبه کتاب بگنجانند برای عبدالرحیم رازی فرستاده است و از او خواسته تا آنها را به شعر درآورد. نام پادشاه در یادداشت رازی نیامده است، اما با توجه به این که در سالهای ۸۰۰-۸۳۸ ه.ق (سالهای زندگانی جرجانی) فیروزشاه بن داود شاه (۸۰۰-۸۲۵ ه.ق) و احمد شاه بن داود شاه (۸۲۵-۸۳۸ ه.ق) از بهمنیان بر دکن حکومت می‌کرده‌اند می‌بایست یکی از ایشان باشد. از آنجا که سال دقیق انتقال پایتخت بهمنیان از گلبرگه به بیدرتوسط احمدشاه معلوم نمی‌باشد، و به احتمال بسیار این مسئله از ابتدای سلطنت احمدشاه انجام نگرفته است، لذا نمی‌توان تعبیر «والی گلبرگه» که در متن آمده است را منصرف به فیروزشاه دانست. نسخه‌ای که ما از شرح الفوائد الغیاتیة در دست داریم فاقد این اشعار و حتی کلمات مسجعی است. احتمال می‌رود که جرجانی این شرح را به درخواست پادشاه نوشته باشد ولی قبل از آنکه به اتمام برسد پادشاه وفات کرده باشد. عبدالرحیم رازی در این یادداشت شمس‌الدین جرجانی را استاد خود دانسته است و از او با احترام بسیار یاد کرده است. و بر این اساس به شمار شاگردان جرجانی، او نیز اضافه می‌شود.

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم: ج ۱، ص ۳۲۴. در کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی) به اشتباه این اثر را به شریف جرجانی نسبت داده‌اند. نگز: کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی): ص ۱۶۱.

احتمالاً بین شمس‌الدین جرجانی و حبله‌رودی و عبدالرحیم رازی به جهت مذهب مشترک در حوزه شیراز که اکثریت آن سنی مذهب بودند الفت و علاقه خاصی برقرار بوده است.

تاریخ وفات شریف جرجانی و تملیک سید صدرالدین محمد ثانی در مجموعه رازی

در برگ ۲۹۴ مجموعه بلاغی رازی یادداشتی از سید صدرالدین محمد ثانی حسنی حسینی شیرازی فرزند غیاث‌الحکما ثبت شده است که بیانگر تاریخ دقیق وفات شریف جرجانی است: «هذا هو شرح مولانا و شیخنا و سیدنا، امام‌المحققین، سلطان‌المدققین، قطب‌أهل‌الحق و الیقین، الإمام‌السید‌الشریف‌العلامة. رضوان‌الله‌علیه و کرم‌وجهه؛؛ أجاب. علیه‌الرحمة. داعی‌الحق فی یوم‌الأربعاء سادس ربيع‌الآخر سنة ستّ عشر و ثمانمئة بدارالملک شیراز. رضی‌الله‌عنه و أرضاه و بواه أسنی ریاض‌رضاه. و أنا العبد‌العبد الفقیر صدر بن ناصر‌الشریعة منصور بن محمد بن منصور‌الحسنی‌الحسینی‌الشیرازی صاحب‌هذا‌الکتاب. رحمهم‌الله‌تعالی.» ناصر‌الشریعة نقش‌مهر‌غیاث‌الحکما بوده است^۱ و صدرالدین محمد ثانی در بسیاری از مواضع از او اینگونه یاد می‌کند، تملیک دیگری نیز از صدرالدین محمد ثانی در آغاز کتاب اشراق‌اللاهوت فی شرح الیاقوت اثر رکن‌الدین جرجانی (۷۲۸ ه. ق) موجود است که به شماره ۱۰۱۸۷ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شده و به همین خط نگاشته شده است.



۱. روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات. محمد باقر بن زین العابدین خوانساری. به تحقیق اسدالله اسماعیلیان. چاپ اول: قم، انتشارات اسماعیلیان ۱۳۹۰ ه. ق، ج ۷: ص ۱۷۷.

[إجازة قوام الدين الكربالى لنورالدين عبدالرحيم بن جمال الدين معروف الرازى]

بسم الله الرحمن الرحيم

نحمدك اللهم يا من فتّح خزائن الحكّم والحقائق بمفتاح العلوم والمعارف، وأجرى سفائن الفكر والدقائق فى محور البحور المهّرة المعارف، أطلع بحمته أنوار الهداية من مطالع البصائر الوقّادة، وأطلع بقدرته أنوار الدراية من مشاريع الطبائع النقّادة، انعم على نوع الإنسان بديع البيان الموضح عن لطائف المعانى وأكرم من بينهم أهل الذكر بالتهدى إلى إعجاز نظم المثانى؛ كشف بكلامه القديم عن أسرار أزلّيته لأولى العقول والألباب، ووصف فى كتابه الكريم نعوت سرمدّيته لمن يثق بيوم الحساب؛ فسبحان من لم يتطرّق غيره فى صمائم قلوب أرباب التوحيد، ولم يخطر شىءٌ سواه على حواشى خواطر أهل التجريد.

ونصلّى على سيّد سادات العالمين وسند إسناد العالمين النبىّ المدنىّ الذى لم يفصح عن كمال فصاحته لسان الفصحاء ولم يبلغ كنه بلاغته إدراك البلغاء، ترقى بيان حقيقة جلاله عن مجاز التمثيل والتشبيه والاستعارة وتعالى شأن كماله عن الإشارة بالتلميح والتصريح والكناية، وعلى عترته الطاهرة الذين شيّدوا بيت النبوة بالتصريح والتشريع وأعانوا عساكر الدين بالاستتباع والتفريع، وعلى صحابته الباهرة أهل الحلّ والعقد والاقْتباس صلاةً خارجةً عن العدد والقياس.

وبعد فمن فواضل الله الرحيم بعَبْدِهِ وَعَوَاطِفِ الْمَلِكِ الْكَرِيمِ مِنْ وَعَدِهِ أَنْ أَسْعِدَنِي بِمَجَاوِرَةِ مَنْ تَفَرَّدَ بَيْنَ الْأَشْرَافِ وَالْأَفْضَلِ بِتَقْوَى اللَّهِ .تعالى .والإتسام بسمة الأماجد والأماثل، المتحلّى نفسه النفيس بفنون العلوم العقلية، المرزّين ذاته الشريف بصنوف المعارف النقلية، صاحب الرأى الصائب والذهن المصفى الثاقب، المشار إليه من بين الفضلاء بالبنان لاسيما فى علم المعانى والبيان، المولى العالم الفاضل والهامم المتقى الكامل نورالملّة والدين عبدالرحيم - أعلى الله تعالى معالم شأنه .ابن المولى الأفخم الأعظم قاضى قضاة المسلمين، مقرب الملوك و السلاطين، المستغنى بشهرة فضائله عن الإطناب والألقاب جمال الدين معروف .أيده الله تعالى استظهاراً للأنام وأعلى مراتب شأنه لإعلاء الأحكام .وقد جرى بيننا مباحثة كتاب

المصباح في شرح المفتاح في علم المعاني والبيان، وشرح تجريد الكلام في أصول الدين وشرح مطالع الأنوار في علم الميزان على قدر ما استفدت بمزجاة بضاعتي وقلة عدتي وصناعتي عن حضرة مؤلفها. روح الله تعالى روحه الشريف وأعلى في حظائر القدس شأنه المنيف. مع طرف من الكشاف مع شرحه الكشف وشرح العلامة التفتازاني بطريق العدل والانصاف،^١ ولعمري إن مثله في الفضائل السنّية ونحوه في المفاخر العلية غير محتاج إلى مدح بالفوز بتحقيق تلك العلوم والحقائق والظفر بنبكت أساليبها والدقائق، فما احتاج النهار إلى دليل.

ثم إنّه كما نقد نفائس معاني كتاب المفتاح بمعيار فهمه الثاقب ووزن عيون نُكتها بميزان فكره الصائب جمع جواهر ألفاظه الماثورة في سلك الألف واللام ونظّم فوائده كلماته المنشورة في نظام الضبط والنظم، ليبقى مدى الدهر عقداً نفيساً لمعاقد العلوم والآداب ويشهد على شأنه صاحبه في تحقيق الكتاب، ولقد أحسن من قال:

حقيق بأن يُجزى عطاءً مؤصلاً	كريم كساه الله مجداً مؤثلاً
لقد بذل الجهد البليغ لنظمه	فجاء بحمد الله جزلاً مرتلاً
ولو علم الشيخ المؤلف سعيه	لأثنى على الرحمن شكراً وحمداً
ولكنّ علام السرائر لم يضع	على أحد أجراً بالإحسان أعملاً
وكم فاضل ألقى إليه بسمعه	ورحبّه جداً والله هللاً ^٢

وأرجو من صدق جنابه وخالص وفائه أن لا ينساني في صالح دعائه فإن هجران أمثاله علينا عسير ثقيل، والله سبحانه على ما نقول وكيل.

والحمد لله أولاً وآخراً والصلاة على رسوله وخير خلقه محمد المصطفى وآله أجمعين.

كتبه الفقير إلى رحمة ربه الغني المتعالي قوام بن آدم بن علي الكربالي في بلدة شيراز أوائل ذي القعدة الحرام سنة تسع وثلاثين وثمانمائة.



١. جميع ذلك ستة كتب. [عبدالرحيم]

٢. هذه الأبيات لمولانا. أبدت إشعافه. في مدح ما اخترعته من نظم المفتاح. [عبدالرحيم]

[يادداشت عبدالرحيم بن معروف راجع به ارتباطش با شمس الدين جرجانى (٨٣٨ هـ ق)]
قد اتفق للفقير الى الله الرؤوف، عبدالرحيم بن معروف أن تشرف فى بلدة شيراز. حميت عن
الأعواز. مدتاً مديدة وبرهة عديدة بخدمته كثير من فحول الأفاضل وجم غفير من عيون
الأهالى والأمثال اكتساباً للكمال واقتناء للإفضال، حتى انتهى أمرى إلى أن نظمت القسم
الثالث من مفتاح العلوم على ما ترى؛

فَلَمَّا جَلَّتْ حَسَنَاءُ بَكْرَةٍ لِفِكْرَتِي جلياً عليها من بلاغتي الحلى

حكيت لأرباب الكمال بعض ما لها من الجمال وأقيت إليهم شيئاً من ذلك المقال، فارتابوا
فيما لهم يقال، ثم اتفقوا على أن يلقي إليّ كلمات شتى لأنظمتها فى سلك النظم إزالةً للارتباب و
قد أتوا بما اتفقوا عليه موارد كثيرة واستنادوا فى جميع ذلك معانى كثيرة فى قوالب سليمة
بأحسن عبارات وأطف استعارات وأجمل اعتبارات؛ إلى أن ألقى إليّ كتاب كريم من الحضرة
الأستاذية أعنى الدوحة الشريفة قدوة أرباب اللسان وعمدة أصحاب البيان لازال مفيضاً
بمحاسن التقرير ومنعماً بلطائف التحرير والتصوير
ما إن مدحت محمداً بمقاتلى لكن مدحت مقاتلى بمحمد

مولانا ومولى الأفاضل محمد بن استاد البشر وكاشف الحقائق مبدع الدقائق السيد
الشريف. شرفهما الله فى الدارين. وهو يأمرنى بنظم هذه المسجعات فى البيتين ليكتب فى
خطبة شرحه للفوائد الغيائية مدحاً بها لوالى گلبرگه وهو من عظام بلاد الهند وكان السلطان. نور
مرقده. ممن يقال فيه:

رُبَّ فِتْيٍ دُنْيَاهُ مَوْفُورَةٌ تَتَّبِعُهَا آخِرَةٌ فَآخِرَةٌ

ممن كان جامعاً بين الكمالات الدنيوية والدينية؛ والمسجعات هي هذه:
شعاره التوجّه والمراقبة وحكمه العطية والموهبة وشأنه مجالسة الأفاضل وأمره مدافعة
الأباطل.
نظمت

بيت

سلوك طريق الأولياء شعاره وأحكامه فى الخلق بسط المواهب
وصحبة أرباب الفضائل شأنه وعادته تلخيصهم من غياهب

وزدت على المأموربه هذه الأبيات:

له رتبة فى الأولياء يرى بها من الحال ما مرّت وما فى العواقب
به الهدى من شارقات ترى لها مشارق فى الأيام دون المغارب
أيرتاب يا مولاي فيما اخترعته وأنى به أعجوبة من عجائب
فلا زلت فينا بالإفاضة منعماً واعطيت بين الناس أعلى المراتب
ولو أدركتني قطرة من غمامكم لكتبتُ إذن بالنظم فوق السحائب
وكيف إذا ما كان بجر عطائكم تفيض علينا من جميع الجوانب

کتابنامه

- جامع الشروح و الحواشی. عبدالله محمد الحبشی. ابوظبی، المجمع الثقافی، ۱۴۲۵ ه.ق.
- حبیب السیر. غیاث الدین بن همام الدین خواند میر (م ۹۴۲ ه.ق).
- روضات الجنات فی أحوال العلماء والسادات. محمد باقر بن زین العابدین خوانساری. به تحقیق اسدالله اسماعیلیان. چاپ اول: قم، انتشارات اسماعیلیان ۱۳۹۰ ه.ق.
- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله أفندی الإصبهانی، تحقیق السید أحمد الحسینی، الطبعة الأولى: قم، مطبعة الحیام، ۱۳۰۱ ه.ق.
- شرح احوال، آثار و اندیشه علامه میرسید شریف جرجانی. علی بایزیدی. چاپ اول: گرگان، پیک ریحان، ۱۳۹۴.
- شرح زندگانی جلال الدین دوانی. علی دوانی. قم: چاپخانه حکمت.
- الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی (م ۹۰۲ ه.ق)، بیروت، دارالجلیل.
- طرائق الحقائق. محمد معصوم شیرازی. به کوشش محمد جعفر محجوب. تهران: انتشارات کتابخانه سنائی.
- فارسنامه ناصری، میرزا حسن حسینی فسائی (۱۳۱۶ ه.ق)، تصحیح و تحشیه از منصور رستگار فسائی، چاپ سوم: تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ه.ش.
- فردوس، علاء الملک مرعشی (م ۱۰۰۰ ه.ق)، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث)، چاپ اول: تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۲ ه.ش.
- فهرست نسخ خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، علی صدراپی خویی با نظارت عبدالحسین حائری، چاپ اول: قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ه.ش.
- فهرست کتابخانه سپهسالار. جلد دوم. محمد تقی دانش‌پژوه و علینقی منزوی. تصحیح و

- تجدید نظر به وسیله علینقی منزوی. چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
- فهرست کتابهای خطی کتابخانه ملی ملک. جلد اول. زیر نظر ایرج افشار و محمد تقی دانش پژوه با همکاری محمد باقر حجّتی و احمد منزوی. تهران، ۱۳۵۲.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم. صادق حسن زاده، محمود طیار مراغی، رضا استادی. چاپ اول: قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۸۹.
- کتابشناسی میرسید شریف جرجانی (گرگانی). مهدی شکیانیا و رضا پورجودای. معارف، دوره نوزدهم، شماره ۳، آذر. اسفند ۱۳۸۱.
- كشف الظنون عن أسامی الكتب والفنون. کاتب جلی القسطنطینی المشهور باسم حاجی خليفة أو الحاج خليفة، مصطفى بن عبد الله (۱۰۶۷هـ). تصحیح محمد شرف الدین یالتقایا و رفعت بیلگه کیسی. بیروت. دار احیاء التراث العربی. بی تا.
- مجالس المؤمنین. قاضی نورالله شوشتری (۱۰۱۹هـ.ق). مقدّمه، تصحیح و تعلیقات: ابراهیم عرب پور، منصور ستایش، محمد رضا محمدیان، محمد حسن خزاعی، محمد علی علی دوست. چاپ اول: مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۹۲.
- مجموعه مصنفات غیاث الدین منصور حسینی دشتکی شیرازی، به کوشش عبدالله نورانی، چاپ اول: تهران، دانشگاه تهران و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۵هـ.ش.
- معجم طبقات المتکلمین، لجنة العلمیه فی مؤسسه الامام الصادق ع. الطبقة الاولى: قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۲۴هـ.ق.
- نیل المرام فی مذهب الأئمة علیهم السلام، عبد الرحیم بن معروف رستمدری [!]. به کوشش و با مقدّمه رسول جعفریان، چاپ اول: قم، نشر مورخ، ۱۳۹۵هـ.ش.

